شماره ۸۸۷۵
۲۹۳۵۹
۸۸۷۵

رسم الخط

دوره سیم

ادوار ثلاثه این دفتر از تخصیصات رشدیه
تقلید و تقلیبش قدغن و مطبوعات بی امضایش
ضبط معارف خواهد شد

و سرمشقهای هر دوره درضمن مجلدات ادوار بدایة
التعلیم طبع و نشر شده است

برای متعلمین مدارس ایران اعمال این نقاشی
فوق العاده فائق و نتیجه
میدهد

نام کتاب
تاریخ ثبت دفتر ۱۳۴۸/۶/۳۰
شماره عمومی ۳۵۱۰۱
شماره خصوصی

جلد سیم بدایة التعلیم

طبع اول

تالیف دوازدهم

از تالیفات حاج میرزا حسن

رُشدیه

تدریس خواهد شد بعد از تمام

متعلّمین جلد اوّل و دوّیم این کتاب را

این کتاب

در حقیقت تعلیمنامهٔ جلد دوّیم است

اطفالیکه

سنّشان مساعد باشد تدریس جلد اوّل لازم

نیست فقط جلد دوّیم را اوّلاً و این را ثانیاً و

هذا را ثالثاً میخوانند

هر جلدیکه در همین صفحه دارای مهر مؤلف نباشد ضبط معارف خواهد شد

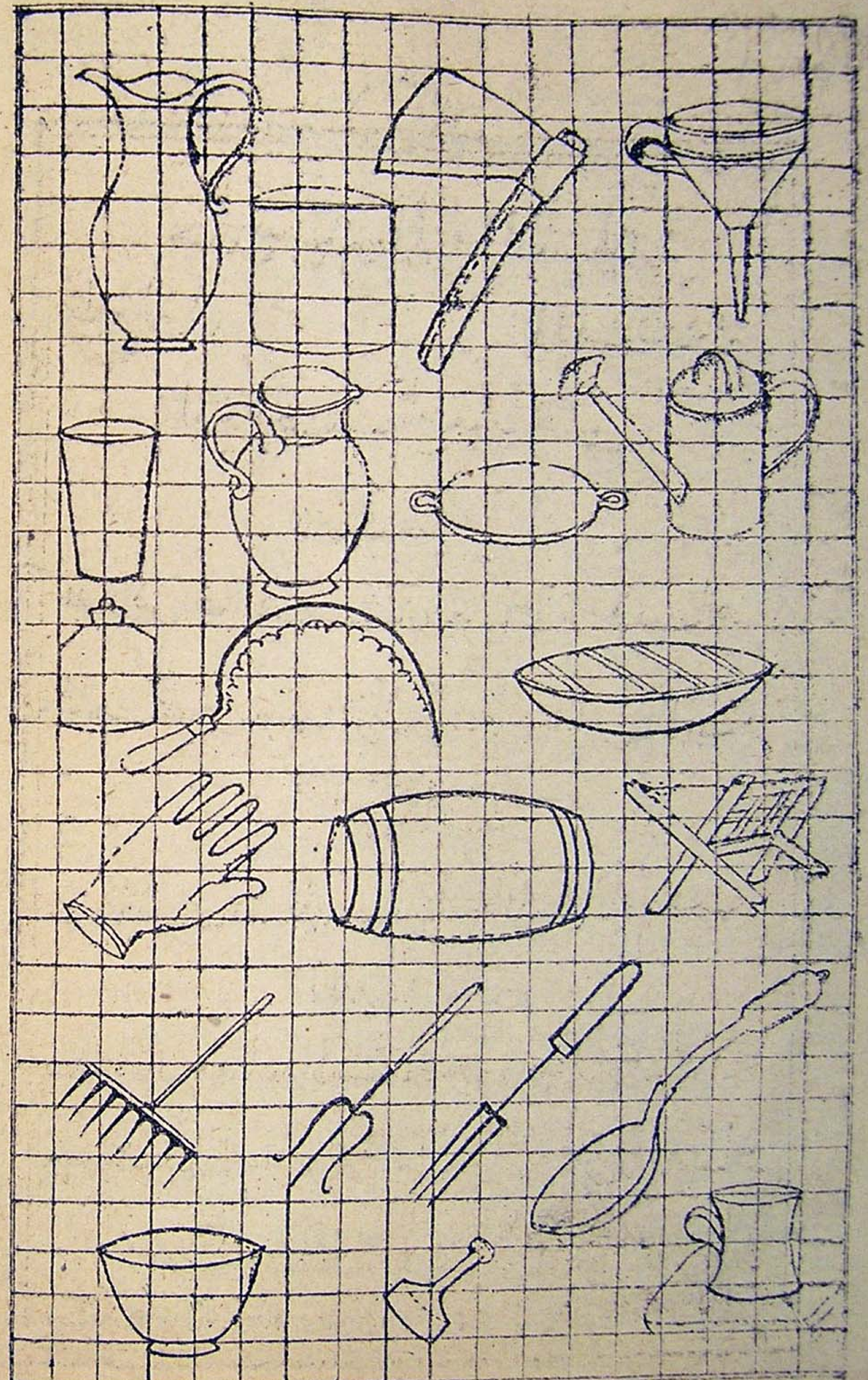

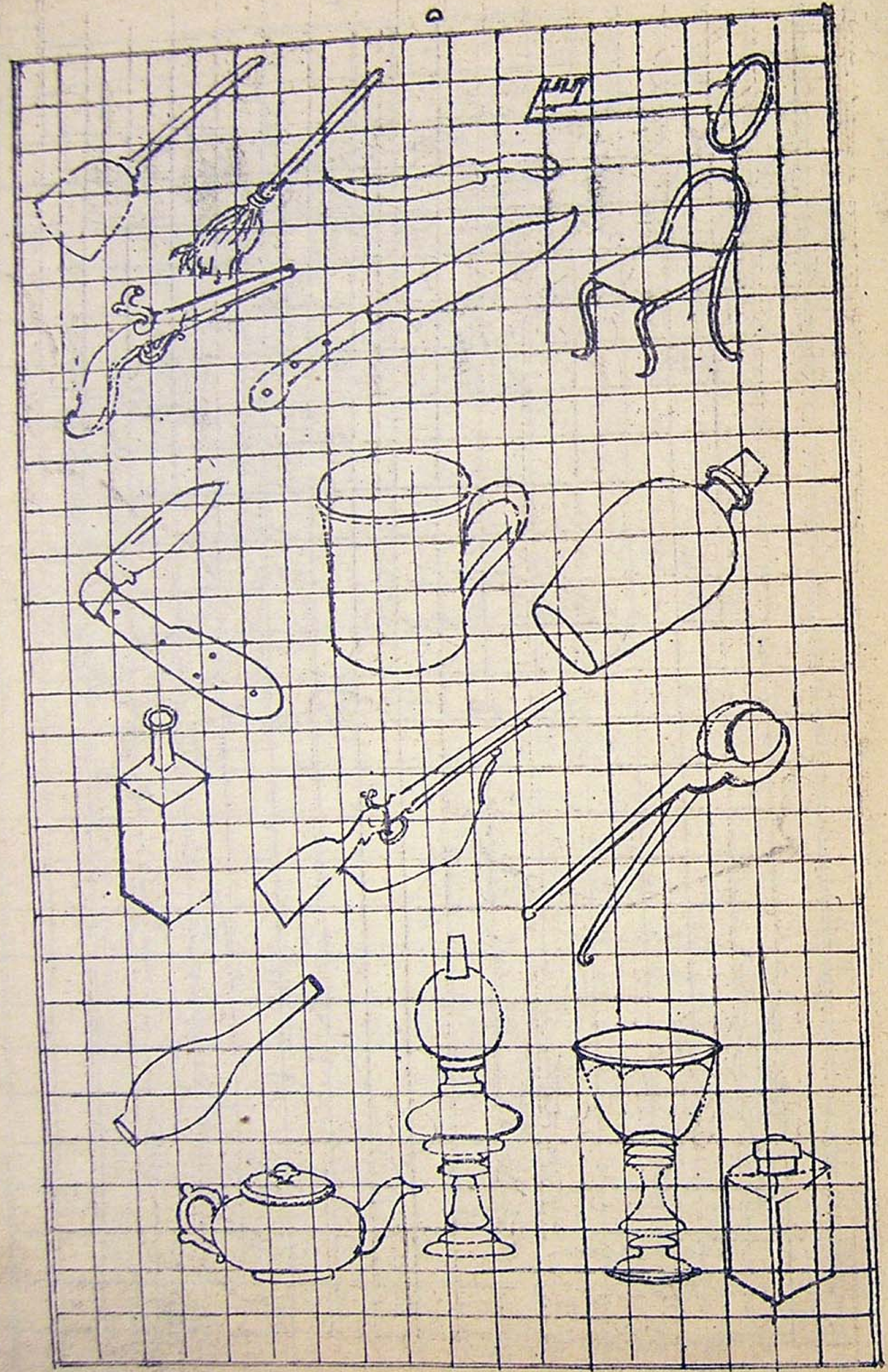

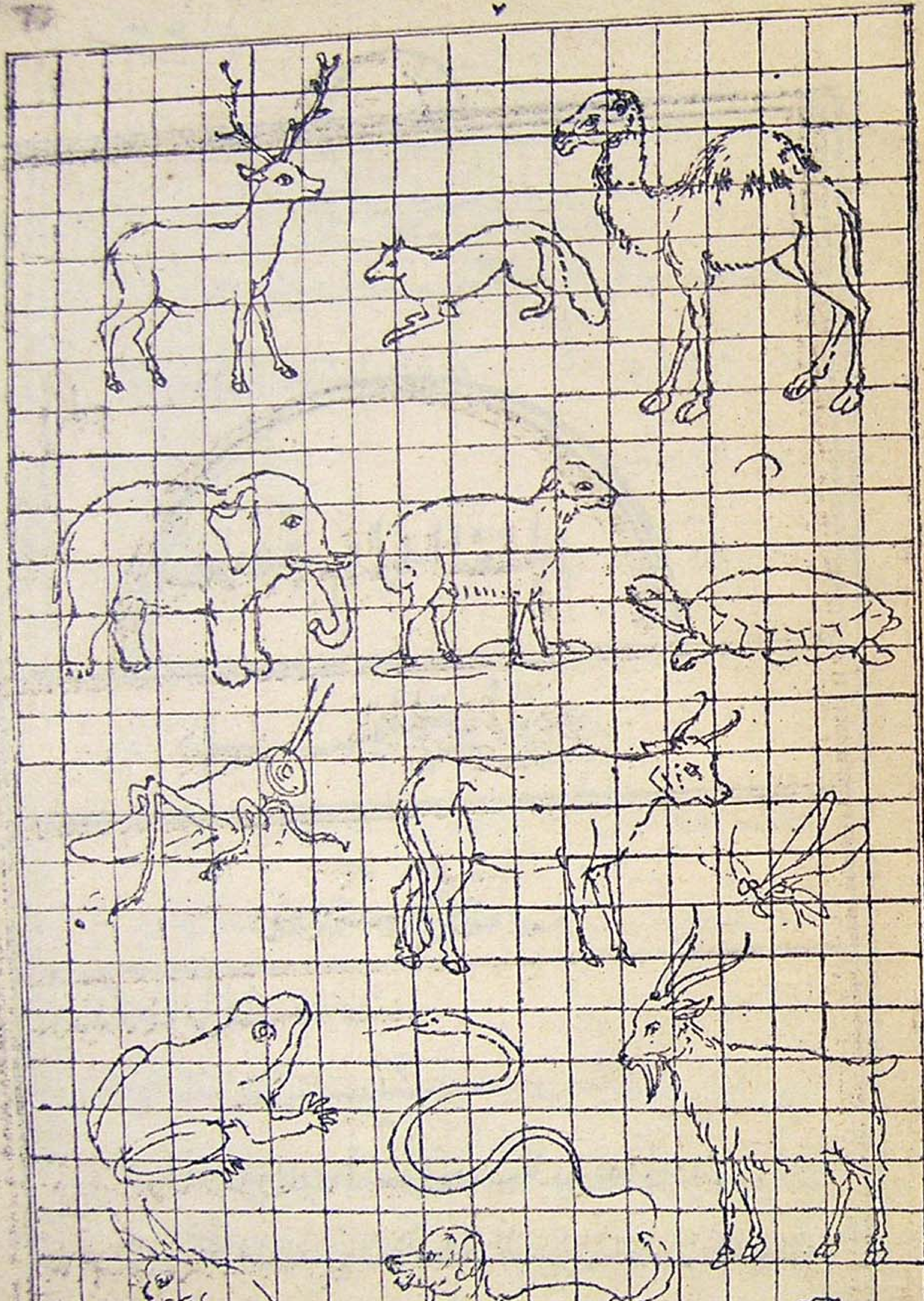
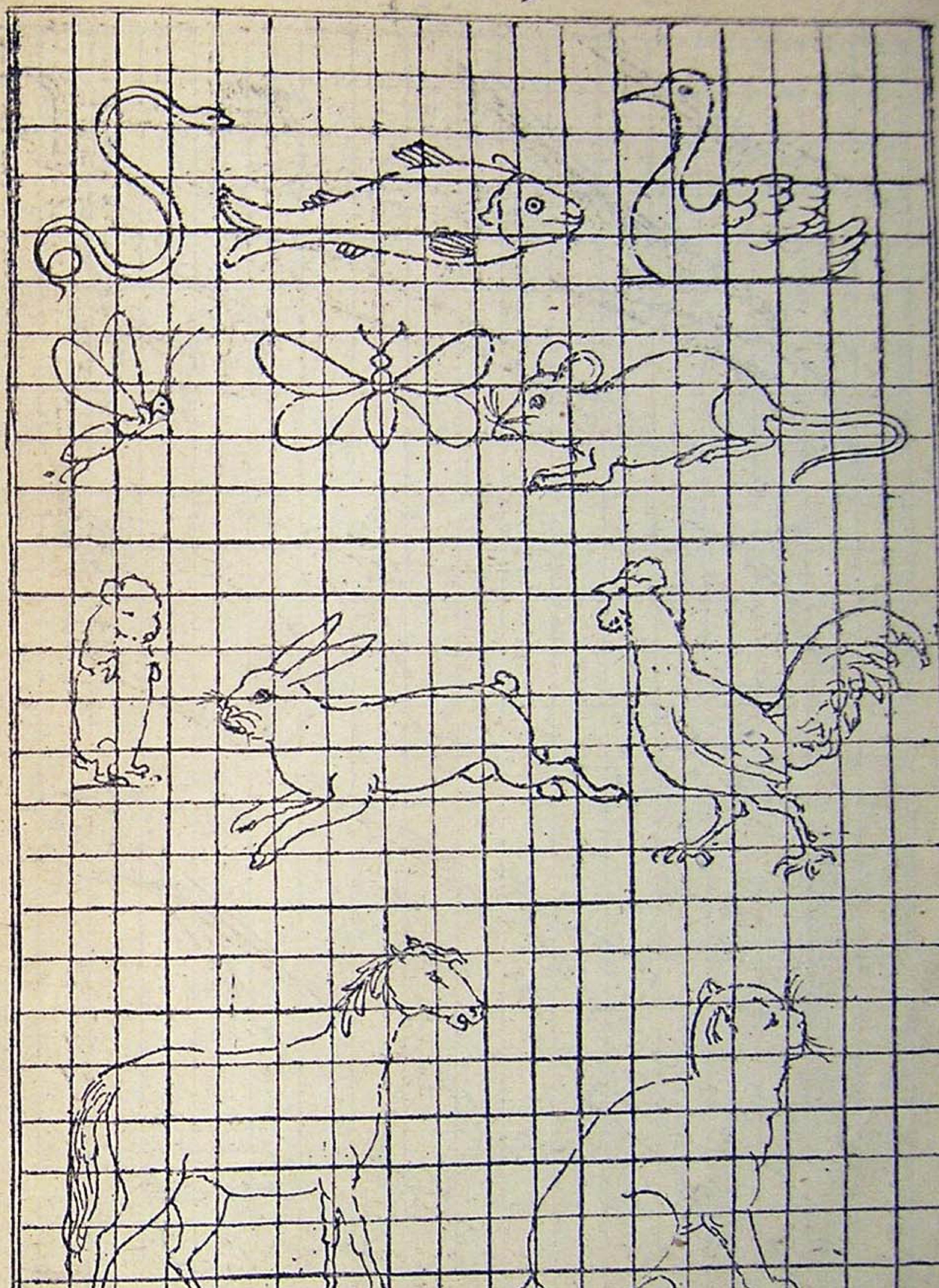

م ۱۶۶

جلد سیم بدایة التعلیم

بسم الله الرحمن الرحیم

درس اول

در حرکه ها و انها سه صوت است

اگرچه اصول تدریس الف باء صوتی مفصلاً در هدایة التعلیم که بجای
جلد چهارم این کتاب است درج شده است اجمالاً در این اخطار هم تذکار میشود که
روز اول شروع بدرس از کلمات دو حرفی انها را که هنوز نیست بجای تهجی درس
تفهیم بطور تقسیم تعلیم دهند و اکثرا بطور سؤال از اطفال پرسیده

درس دوم

در حرف همزه صوتش همزه شکلش سه جور است

۱ همزه مجرد ا که دایم در اول کلمه نوشته میشود

۲ همزه مرکب ـا

۳ همزه کرد ء

درس سیم

در حرف الف صوتش شکلش سه جور است

۱ الف مجرد ا که هرگز در اول کلمه نوشته نمیشود

۲ الف مرکب ـا

۳ الف مدی ~ که دایم در بالای همزه نوشته میشود

باشد چنانکه بپرسند کلمه (رم) وقتی کشیده میشود چند صدا از دهن
بیرون میاید و عقب این سؤال خود معلم کلمه (رم) را بسیار کشیده و بلند
بگوید تا خود متعلمین بگویند که کلمه (رم) سه صدا دارد [رَ ـ م]
و بعد بپرسند که کلمه (مر)

درس چهارم

در همزه متحرك یعنی در همزه که حرکه دارد و آن چهار تاست

١ همزه مفتوحه　أَ

٢ همزه مکسوره　إِ

٣ همزه مضمومه　أُ

٤ همزه ممدوده　آ

درس پنجم

در حرف دال صوتش «د» شکلش دو جور است

١ دال مجرد　د

٢ دال مرکب　ـد　و حرف دال سه کلمه دارد

دد (درنده)　داد (عدالت)　ادا (خلق)

چند صدا دارد و هم چنین عقب سؤال خود معلم مکرر بسیار کشیده و
(و بگوید تا اطفال بگویند که کلمه (مَر))
بلند کلمهٔ (مَر) سه صدا دارد (مَ ـ ر) بعد بپرسد که کلمه
(رَم) چند صدا داشت و کدام‌ها بود اگر فراموش کرده باشند دوباره
از سر گیرد و تفهیم آنرا از نو عنوان کند و تفهیم نماید که اصوات از هم منفک شود

درس ششم

در حرف ر صوتش «ر» شکلش دو جور است

١ رای مجرد　ر = ر

٢ رای مرکب　ـر　و حرف را ۶ کلمه دارد و ۶ کلام

دارا (پادشاهی بود)　درد (رنج)　آرد

دار (چوب دار)　آدرار (مواجب)　رد (برگرداندن)

تا اینجا ۶ کلمه‌ها بود بعد از این ۶ کلام‌هاست

دارا، درد، دارد

دارا، آردرا، رد، داد

تا اطفال از روی انتقال بگویند که کلمه (رَم) سه صدا دارد [ر ـ م]
بعد بپرسد که کلمه (رَم) و کلمه (مَر) هر دو سه صدا دارد
پس تفاوت با هم چیست و البته اطفال بدو انتقال نخواهند داشت پس
باید سؤالات را تکرار کند که ملکه بفهمند و منتقل شوند و بتوانند فرق بگذارند والا

درس هفتم

در حرف زا صوتش و شکلش برابر است با حرف را یعنی چنانکه حرف را دو شکل داشت حرف زا هم دو شکل دارد

۱ زای مجرد ز

۲ زای مرکب ز — و حرف زا ۶ کلمه دارد ۴ کلام

وازِ (سنه) رزّاز (برنج فروش) دُزد

دراز (بلند) آزار (اذیت) آزاد (مرخص)

تا اینجا ۶ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

دارا، دُزد را، دار، زد

زر، رزّاز را، دُزد، زد

خود باکند مکرر اینده و کلمه را بصدای جهر بکشد تا اطفال منتقل شده بگویند که کلمه (دم) و کلمه (مر) هر دو سه صدا دارد اما تفاوتش این است که در کلمه (دم) صدای اول د است و در کلمه (مر) صدای اول م است و در هر دو صدای دوم صدای همزه مفتوحه یا صدای فتحه که

درس هشتم

در حرف ژی صوتش و شکلش برابر است با حرف ری یعنی چنانکه حرف ری دو شکل داشت حرف ژی هم دو شکل دارد

۱ ژی مجرد ژ

۲ ژی مرکب ژ — و حرف ژی ۳ کلمه دارد ۱ کلام

ژاژ (سقز) ژُرژ (زاژ) (وزیر عدلیه فرانسه) آژدر (اژدها)

تا اینجا ۳ کلمه ها بود بعد از این یک کلام است

ژُرژ را، آژدر، درد، رزّاز را

آزار، داد

(—) است و در کلمه (دم) صدای سیم (م) است و در کلمه (مر) صدای سیم (ر) است و همینطور دیگر کلمات دو حرفی غیر مهموز را بطرز سوالم تمرین دهند تا اطفال بخوبی ملتفت شوند که چون کلمه را قلب میکنی کدام صدا باول میمانند و کدام بوسط و آخر

درس نهم

در حرف واو. حرف واو دو شکل دارد هفت صدا

۱ واو مجرّد و

۲ واو مرکّب و

صدای اوّلش برابر است با و ۶ کلمه دارد ۲ کلام

واو (حرف است) **وارد** (داخل) **دوا** (علاج)

زَوّار (زیارت کنندگان) **دَوّار** (چرخ زن) **وُزَراء** (وزیران)

تا اینجا کلمه‌ها بود بعد از این ۲ کلام است

وُزَرا، وِزر را، دَوا، دارد

زَوّار را، دُزد زد

ع اشاره بعربی بودن و ف بفارسی بودن و ت بترکی بودن و م بمشترک بودن در میان عرب و عجم است و در تفهیم معنای کلمات ذکر شود و هر سوم چنین باشد که متعلّم تا اشکال حروف را تفریق کرد فوراً اگرچه با انگشت در کف دستش باشد همان شکل حرف را بنویسد و بگوید رسمش اینست

درس دهم

در صدای دوّیم واو برابر است با او ۶ کلمه دارد ۳ کلام

روز **زور** (قوت) **دود**

دور **ورود** (وارد شدن) **رود** (نهر بزرگ)

تا اینجا کلمه‌ها بود بعد از این ۳ کلام است

او، آرزو، دارد

دارا، زَوّار را، ورود، داد

زَر، دوز، زَر، وَزور، دارد

آنچه خطوط ریزه در این درسها نوشته شده است فقط از خارج بحفظ اطفال سپرده خواهد شد زیرا که انتخاب برای ارائه بمعلّم است اصول تدریس جلد دوّیم را

و ممکن نیست که معلّم ایرانی دیباچه هدایة التعلیم را ندیده بتواند تعلیم نماید الّا تضییع اوقات خود و اطفال و تضییع شأن تعلیم و اصول جدیده کند

درس یازدهم

در صدای سیم واو برابر است با آو ۶ کلمه دارد ۳ کلام

دَوِر (گردش)   آوِراد (اذکار)   آوِزار (وبالها)

دَو (دویدن)   رَو (برو)   دِرَو (درویدن)

تا اینجا ۶ کلمه ها بود بعد از این سه کلام است

دَرِدِ، او، دَوِر، دارَد

آوراد، آوزار را، زُدود

دارا، دُزدرا، آزدَر، دَرآوُرد

چون اطفال در تقسیم کلمات دو حرفی باصوات حروف وحرکاتش مهارتی یافتند شروع میکنند بتقسیم کلمات سه حرفی وبیشتر و در تقسیم کلمات مهموزه معلم بسیار دقتی باشد که همه جا حرف وحرکه را یکی فرض نکند وکلمه اسب را چنین تقسیم کند [ءَ ـ س ب] وبعد از تقسیم هم باید جمع کند باین ترتیب [ءَ ـ] میشود اَ [س] میشود [اَس] [ب] میشود اسب وهکذا

درس دوازدهم

در صدای چهارم واو برابر است با ـُو ۶ کلمه دارد ۳ کلام

دَو، زَرو (پول)، زَوِر (وحرف حق)، دَرِدو (رنج)، دَوا (وعلاج)

آزو (حرص)، آرِزو (امید)، اوِز (خود)، اوِد (زهره)

تا اینجا شش کلمه ها بود بعد از این سه کلام است

زَردوز، دو روز، دَررَو، دارَد

آزو، آرزوا، آزار، آوَرَد

ژوژ، آوراد، دورو، دِراز، آوُرد

(قاضی قرانه)

معلم ببیاد دقت فرماید که در قرائت کلمات واوی متعلمین معین کنند که در این کلمه این حرف واو بصدا چند میشود خوانده میشود وپوانهای سکنه را مهمل نگذارند با دو نقره فصیح باباید

درس سیزدهم

در صدای پنجم واو برابر است با اُ ۴ کلمه دارد ۳ کلام

اوردوت اوت دور دور

آتش نقاره دولت

اودات اوردت اورات

کاروانسرا توپ آبجی

تا اینجا ۴ کلمه‌ها بود بعد از این سه کلام است

دارا، دو، اوردو، زد

اودادار، آرد آوُرد

ژورژ ژورا، زور، آوُرد

معلم فرق کلمه و کلام را بمتعلمین بفهماند باین بیان کلمه سخنی است که معنی خود را بفهماند ولی مطلب نفهماند کلام سخنی است که مطلب بفهماند واگر بتواند فرق جمله و کلام را هم بفهماند مهارت خود را بروز داده است وهم چنین فرق حرف وحرکه ومجرّد ومرکّب را

درس چهاردهم

در صدای ششم واو برابر است با وو ۲ کلمه دارد ۳ کلام

داود زاود

اسم نبی است معدن نفت روسی

تا اینجا دو کلمه‌ها بود بعد از این سه کلام است

داود، دو، آرزو، دارَد

دارا، داودرا، داوَر، آوَرَد

زَردوز، رِداء، داودرا، زَر دُوزَد

وصدای هفتمی واو در درس ۵ ۴ خواهد آمد

معلم ابتدائی سیاه تخته او طاق مسند بان را زمینه سیاه و با قرمز خانه‌دار مربع تعبیه نموده دقت فرماید که متعلّمین حروف را باندازه بنویسند وبرای هریک از حروف قسمتی از خانه‌ها را معیّن نماید که الف چند خانه و واو یک خانه و را نصف خانه باشد تا پر بی اندازه ننویسند

درس پانزدهم

در حرف طا صوتش ط شکلش دو جور است

۱ طی مفرد و اولی ط

۲ طی وسطی و اخیره ط

۶ کلمه دارد ۳ کلام

وَطواط ۶ — شب پره
طَرز ۶ — شکل
طَرّار ۶ — قراوُر

طَور ۶ — جور
طور ۶ — کوه موسی
وَطا ۶ — رحمت

تا اینجا ۶ کلمه ها بود بعد از این سه کلام است

زَوّارا، طَرّار، زَد

داود، دَرطور، دو، اورد، زَد

زَردوز، طَرازِ، رِدارا، دوطور، دوزَد

معلّم مواظبت فرماید که متعلّمین حروف را از مخارج ادا کنند که بسی زحمات اینها را مرتفع خواهد فرمود

درس شانزدهم

در حرف فا صوتش ف شکلش چهار جور است

۱ فی مفرد ف

۲ فی اولی فـ

۳ فی وسطی ـفـ

۴ فی اخر ـف

۶ کلمه دارد ۳ کلام

طَرَف ۶ — جانب
اَطراف ۶ — جانبها
فِطر ۶ — عید روزه

اِفطار ۶ — روزه شکستن
طَواف ۶ — ۵ کعبه گشتن
طَفّ ۶ — صحرا

تا اینجا ۶ کلمه ها بود بعد از این سه کلام است

آرزو، دوطَرف، دارَد

دارا، اوردورا، اِفطار، داد

داود، اَطرافِ، رِدارا، زُفو زَد

معلّم متعلّمین را مسبوق بدارد که حروفات بر دو قسمند متصله و منفصله و متصلات آنهاست که از سمت چپ بحرف بچسبد و منفصله نمی چسبد و مجرد از اصطلاحات منفصله و مفرد از

درس هفدهم

درحرف قاف صوتش ق شکلش چهار جور است

۱ قاف مفرد ق

۲ قاف اولی قـ

۳ قاف وسطی ـقـ

۴ قاف اخری ـق

۹ کلمه دارد و ۳ کلام

طاق ت (سقف) — اوطاق ت (منزل) — قطر ع (کفش)

قاطر ت (استر) — طوق ع (گردن بند) — قفقاز ت (مملکتی است)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این سه کلام است.

قادِر آقا، دو قطار قاطر، از قوروق، آوُرد

دارا، در قفقاز، اورد و زد

آقا رزّاق، فُقرا را، افطار، داد

متصله است اخرے از منفصله را مرکب گفته ایم و اخرے از متصله را اخرے یعنی حروفات دو شکل

منفصله اند و بیشتر ے متصله

درس هیجدهم

درحرف لام صوتش ل شکلش چهار جور است

۱ لام مفرد ل

۲ لام اولی لـ

۳ لام وسطی ـلـ

۴ لام اخری ـل

وحرف لام ۹ کلمه دارد ۴ کلام

دِل ت (دل) — دَلّال ع (رهنما) — دلدار ت (دوست)

قُفل ع (بند) — طِفل ع (بچه) — لُطف ع (مهربانی)

قلفِل ت — لور ت (طایفه ایست) — قولُوق ت (خدمتانه)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

دَلّال، دَر را، قُفل، زد

قرار، داد، وُزرا، طول، دارد

طِفل، قاطِر، قزّاقرا، فرار، داد

لور، دو قولوق، قولُوق، آوُرد

درس نوزدهم

درحرف ها های هوز چهار شکل دارد وسه صدا

۱	هی مفرد	ه		
۲	هی اولی کرد	هـ	هی اولی دوچشم	هـ
۳	هی وسطی مخذب	ـهـ	هی وسطی دوچشم	ـهـ
۴	هی اخری	ـه		

صدای اولش برابر است با ه ۹ کلمه دارد ۴ کلام

راه ف	راهرو ف (رونده)	هزار ف
هدر ع (باطل)	قهر ع (زور)	قهار ع (زورمند)
هلال ع (ماه نو)	قهقه ع (صدای خنده)	قاهقاه ت (خنده با صدا)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

آهِ، فُقرا، دِلهارا، دردِ، وافر، دارد

طاهِر آقا، در هوا، ده، قِرقوُل، زد

درس بیستم

صدای دوم حرف ها برابر است با ـــَـــ ۹ کلمه دارد ۴ کلام

رَزه ت	قهوه ت	لَله ت
قُله ع (سرکوه)	طاقه ع (پارچه بقدر جامه)	طَفره ع (گریز)
هَرزه ت	لوله	قَهقَهه (خنده با صدا)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این چهار کلام است

قَهقَهه، قهّار، را قهر، آوَرد

دَروازِه، دَه، قَراوُل، دارَد

زَلزَله، هِزار، وَلوَله، دارَد

آقا رَزّاق، آز قرارِ قولِ، اطفال

دو روز، طَفره، زَده

وصدای سیم های هوز در درس ۵۶ خواهد امد

درس بیست و یکم

در حرف جیم صورتش ج شکلش چهار جور است

١ جیم مفرد ج

٢ جیم اولی جـ = جـ

٣ جیم وسطی ـجـ = ـجـ

٤ جیم اخری ـج

۹ کلمه دارد ٤ کلام

رَواج ع (در روش)	جَواد ع (بخشنده)	قَجَر ت (طایفه ایست)
قُلّاج ت (میان دو دست گشاده)	قِلِج ت (شمشیر)	فاجِره ع (زن بی عصمت)
لَج ت (اصرار کن)	لَجوج ع (اصرار کننده)	جِقّه (کلاه تاج)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این چهار کلام است

اوطاقدار، جارها را، در طاقها، جا داد

لطفِ وجود، از جود، افزود

آقا جواد، اوطاقها را، از آجر طاق زد

دلّال، قهوه را، رواج، داد

درس بیست و دوم

در حرف حا صورتش ح شکلش برابر است با حرف جیم یعنی چنانکه حرف جیم چهار شکل داشت حرف حا هم چهار شکل دارد

١ حی مفرد ح

٢ حی اوّلی حـ = حـ

٣ حی وسطی ـحـ = ـحـ

٤ حی اخری ـح

۹ کلمه دارد ٤ کلام

حَراج ع	حَجّ ع (اعمال کعبه)	حُجّاج ع (حاجیان)
حَلال (مباح)	حَقّ ع (راست)	حَفّار ع (گورکن)
فَرَح ع (شادی)	قَدَح ع (پیاله)	جَرّاح ع (زخم زن دوا گذار)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ٤ کلام است

دَلّال. از حَراج، جِلودارها، دَه جور، جُل آوُرد

اطفالِ، روزه دار، در اِفطار، فَرَح، دارد

رُوزه، با اِفطارِ حَلال، آجر دارد

طَوّاف، حُجّاج را، قَهقَرا (وا رو)، طواف داد

درس بیست و سیم

حرف خا صوتش خ شکلش برابر است با حرف حا یعنی چنانکه حرف حا چهار شکل داشت حرف خا هم چهار شکل دارد

۱ خی مفرد خ

۲ خی اولی خـ = خـ

۳ خی وسطی ـخـ = ـخـ

۴ خی اخری ـخ

۹ کلمه دارد ۴ کلام

خرج ع فرّخ ف خدا ف

صرف مبارک پروردگار

فخر ع خلال ع خلخال ع

ناز بیان منحنی پا

خطا ع خط ع خلق ع

غلط مخلوقات

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این چهار کلام است

حاج خداداد، فخّاجرا، خرج داد

فرّخ، آزخراج، طفره، دارد

آهل خلخال، هزار، آهلِ حال، دارد

خلقِ خدا، خود، آزار خود، روا دارد

درس بیست و چهارم

در حرف چیم صوتش چ شکلش برابر است با حرف جیم یعنی چنانکه حرف جیم چهار شکل داشت حرف چیم هم چهار شکل دارد

۱ چیم مفرد چ

۲ چیم اولی چـ = چـ

۳ چیم وسطی ـچـ = ـچـ

۴ چیم اخری ـچ

۹ کلمه دارد ۴ کلام

خاچ ت چادر ت چرخ ت

صلیب خیمه کره

چلچله ف طاقچه ت چهره ف

زعکی‌ات روی

چمچه چهار ف چهلهزار ف

صورت

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این چهار کلام است

چاروادار، چهار، دوچرخه، آورد

حاج فخّار، آزوجه، اجاره، چهلهزار، آجر، داد

چمچه چلچله، وآواز دوچرخه، خلقرا، آزار، دهد

حاج جواد، جلو، حجره را، چادر زد

درس بیست و پنجم

در حرف سین صوتش س شکلش چهار جور است

۱ سین مفرد س

۲ سین اولی سـ

۳ سین وسطی ـسـ

۴ سین اخری ـس ۹ کلمه دارد ۴ کلام

دَرس قَفَس سار

فَساد سَر جِسر [پل]

آساس [بنا و بنیاد] وَسواس آسَس [شبگرد]

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

۱ آقا سَردار، سَر، آسیا، جُدا، زد

خاله‌زاده، اطفال را، دُو سطر، دَرس، داد

وَسواس، جاهِل، وَسوسه، آورد

از فِسق، فاسِق، فَساد، سَر، زد

درس بیست و ششم

در حرف شین صوتش ش شکلش برابر است با حرف سین یعنی چنانکه حرف سین چهار شکل داشت حرف شین هم چهار شکل دارد

۱ شین مفرد ش

۲ شین اولی شـ

۳ شین وسطی ـشـ

۴ شین اخری ـش ۹ کلمه دارد ۳ کلام

فَراش [فرش انداز] شِفا [تندرستی] شاه

شَهسوار [رئیس سوارها] هوش لاشه [لاغر]

شاخسار [شاخه] شُورِش شَهر

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این چهار کلام است

شاه، وارِد، اوردو، شد

شِش، خُروس، آخره، آزده، آوُرد

خُدا، شاه را، شَفا، داد

دَر شَهر، شُورِش، وَ فَساد، شُده

درس بیست و هفتم

در حرف صاد صوتش ص شکلش چهار جور است

۱ صاد مفرد ص

۲ صاد اولی صـ

۳ صاد وسطی ـصـ

۴ صاد آخری ـص ۹ کلمه دارد ۴ کلام

اِخلاص (ارادت)	صَفاء (صاف)	قِصاص (انتقام و تلافی)
رَقص (بازی)	صاف (خالص)	صَف (نظام)
شَخص (نفر)	حاصِل (خلاصه)	وَصله (پینه)

تا اینجا ۹ کلمه‌ها بود بعد از این چهار کلام است

شَخصِ صالح، دَر صُلح، وَ اِصلاح، اِصرار، دارَد

رَقّاص، اَز رَقصِ، خود، رُسوا، شُد

آقا صادِق، دَر قَصرِ قَجَر، شِشصَد، ساز زد

صَرّاف، اِسراف، وَرزَد، وَصله، دَر وَصله، دوزَد

درس بیست و هشتم

در حرف ضاد صوتش ض شکلش برابر است با حرف صاد یعنی چنانکه حرف صاد چهار شکل داشت حرف ضاد هم چهار شکل دارد

۱ ضاد مفرد ض

۲ ضاد اولی ضـ

۳ ضاد وسطی ـضـ

۴ ضاد آخری ـض ۹ کلمه دارد ۴ کلام

قَرض (وام)	ضَرَر (زیان)	قَضاء (حکم)
رِضاء (راضی شدن)	حُضور (نزد)	حاضِر (موجود)
حُضّار (حاضران)	فِضّه (نقره)	حَوض (برکه)

تا اینجا ۹ کلمه‌ها بود بعد از این ۴ کلام است

حاج رِضا را، قَضا، وَ قَدَر، اَز فَقر، خَلاص، داد

آقا صادِق، طِفلِ، خود را، دو قُرصِ، جو، قَرض، داد

وضو، اَز حَوضِ، سَرشار، صَفا، دارَد

فَرّاش، دَر حُضورِ، شاه، شاطِرها را، شَلّاق، زَد

درس بیست و نهم

در حرف ظای مؤلف صوتش ظ شکلش برابر است با طای مؤلف یعنی چنانکه طای مؤلف دو شکل داشت ظای مؤلف هم دو شکل دارد

۱ ظای مفرد و اولی ظ

۲ ظای وسطی و اخری ظ

۹ کلمه دارد ۴ کلام

لحاظ (نگاه) — ظفر (غلبه) — حظ (لذت)

ظهر (پیشین) — اظهار (نمایش) — لحظه (یک چشم زدن)

ظاهر (آشکار) — ظهور (بروز) — لفظ (سخن)

تا اینجا ۹ کلمه‌ها بود بعد از این ۵ کلام است

آقا صالح، صدقش، ظاهر شد

قرض، زود، ادا، شود، حظ، دارد

اظهار، صفا، صفا، آورد

قزاق، سر، ظهر، حاضر، شد

درس سی ام

در حرف عین صوتش ع شکلش چهار جور است

۱ عین مفرد ع

۲ عین اولی عـ

۳ عین وسطی ـعـ

۴ عین اخری ـع

۹ کلمه دارد ۵ کلام

جزع (بی‌تابی) — عرض (اظهار) — ضعف (ناتوانی)

عدد (شمار) — عارف (بلد شناسا) — شرع (شریعت)

عفو (بخشش) — جعفر (اسم آدمی) — رفع (دفع)

تا اینجا ۹ کلمه‌ها بود بعد از این ۴ کلام است

جزع، خود، اضطرار، آورد

توقع، شرف را، ضرر، دارد

رعاف، جعفر آقا، رفع، شد

جواهر، فروش، چهار، عدد، لعل، دارد

درس سی و یکم

در حرف غین صوتش غ شکلش برابر است با حرف عین یعنی چنانکه حرف عین چهار شکل داشت حرف غین هم چهار شکل دارد

۱ غین مفرد غ

۲ غین اولی غـ

۳ غین وسطی ـغـ

۴ غین آخری ـغ

۹ کلمه دارد ۳ کلام

داغ ت　غرق ع (غوط)　جغد ف

لغ ت　غفار ع (بخشنده)　فغفور ف (خاقان چین)

فارغ ع (آزاد)　غلغله ع (ولوله)　دروغ ف (بی اصل)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۳ کلام است

جلودار، قاطرها را، داغ، زد

غفار، در اظهارش، دروغ، قول، داد

لاله، دل، داغدار، دارد

اهل قریه داغ، از غلغله، فارغ، شد

درس سی و دوم

حرف میم صوتش م شکلش ۶ جور است

۱ میم مفرد م　۴ میم وسطی دو نقطه ـمـ

۲ میم اولی دو نقطه مـ　۵ میم وسطی گرد ـمـ

۳ میم اولی گرد مـ　۶ میم آخری ـم = ـم

د نوشته نمیشود میم دو نقطه مگر پیش از خط مایل و میم گرد مگر پیش از خط عمودی حرف میم

۹ کلمه دارد ۳ کلام

مقام ع (ایستگاه)　مسمار ع (میخ)　شمع ع (شمع موم)

مهر و ماه ف (شمس و قمر)　عمر ع (زندگانی)　معمور ع (آباد)

جام جم ف (جام جمشید)　مجسمه ع (بدن نما)　معمار ع (آبادکن)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۳ کلام است

شارع، مقدس، مجسمه را، حرام، فرمود

امام، جمعه، در مجمع، علما، حضور، دارد

روز جمعه، از امامزاده، همزه، آمدم

حمام، محله، از اجماع، مردم، موقوف، شد

درس سی و سیم

در حرف کاف صوتش ک شکلش شش جور است

۱ کاف مفرد ك — ۴ کاف وسطی عمودی ﻜ

۲ کاف اولی عمودی ﻛ — ۵ کاف وسطی منحنی ﻜ

۳ کاف اولی منحنی ﻛ — ۶ کاف آخری ﻚ

و نوشته نمیشود کاف کرده مگر پیش از خط عمودی و نوشته نمیشود کاف عمودی مگر پیش از خط مایل

حرف کاف هم ۹ کلمه دارد و ۴ کلام

خاك — کفش (پای‌افزار) — کافر (حق پوش)

فکر (اندیشه) — عکاس (عکس‌انداز) — ملك (سلطنت)

کلکاو — مکالمه (اختلاط) — حکاك (مهرکن)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

خاك، کف، کفش کفشدار، ملکم

عکاس، عکسها، معکوس، آورد

کلکش، کلك، ماشد

در مکالمه، کلاه را، کوچك، کرد

درس سی و چهارم

در حرف گاف صوتش گ شکلش برابر است با حرف کاف یعنی چنانکه حرف کاف شش شکل داشت حرف گاف هم شش شکل دارد

۱ گاف مفرد گ — ۴ = وسطی عمودی گ

۲ = اولی عمودی گ — ۵ = وسطی منحنی گ

۳ = اولی منحنی گ — ۶ = آخری گ

و نوشته نمیشود گاف کرده مگر پیش از خط عمودی و گاف عمودی پیش از خط مایل و حرف گاف هم ۹ کلمه دارد ۴ کلام

گرگ — جگر — گمرك

گاو — گله — اگر مگر

گوگرد — اشکلك ([illegible]) — سنگك (قازان قوپقی)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

گرگ را، در گله ها، راه، میده

دراز، اشکلك، گشاده، گردد

گمرك، گوگرد، فارس، موقوف، شد

گلکار، از گلزار، گله، کرد

درس پنجم

در حرف نون صورتش ن شکلش هشت جور است

١	نون مفرد	ن	٥	نون اولی محدب	نـ
٢	نون اولی منکسر	نـ	٦	نون اولی منحنی	نـ
٣	نون اولی عمودی	نـ	٧	نون وسطی	ـنـ = نا
٤	نون اولی مایل	نـ	٨	نون آخری	ن

حرف نون هم ٩ کلمه دارد ٤ کلام

نان، نراق (ده‌ای است شهریست)، نسناس (جانوریست شکل انسان)

نخجوان (شهریست در قفقاز)، نهاوند (کوهی است در همدان)، نماز

خندان، سنندج (قصبه ایست در کردستان)، گلشن (گلزار و گلگشت)

تا اینجا ٩ کلمه ها بود بعد از این ٤ کلام است

نان، ناکسان، مخور

خدا، نشناسرا، نشناس

نمازروا، آزموفعش، مگذران

مدرسه‌را، گلشن، خود، شناس

درس ششم

در حرف یا صورتش ی شکلش هشت جور است

١	یی مفرد	ی	٥	یی اولی محدب	یـ
٢	یی اولی منکسر	یـ	٦	یی اولی منحنی	یـ
٣	یی اولی عمودی	یـ	٧	یی وسطی	ید = یا
٤	یی اولی مایل	یـ	٨	یی آخری	ی

حرف یا هم ٩ کلمه دارد ٤ کلام

نای (حلقوم)، یرغان (یک نوع ناخوشی است)، یشم (یک نوع سنگ است)

یخدان (رخدان)، یمن (شهری است)، یی (حرفیست)

حسین (شخصی است)، شیدا (گول خورده)، می (شراب)

تا اینجا ٩ کلمه ها بود بعد از این ٤ کلام است

نفس، خودرا، شیطان، خود، دان

حیدر، سلطان، در، ییلاق، دو، جیران، زد

سلیمان، خان، از، فطریه (دهی است در شمیران)، آمد

در کلامهای، حرف، یی، جیرانم

درس هفتم

در صدای اَیدرم حرف با صوتش برابر است بای — و اینهم ۹ کلمه دارد و ۴ کلام

سیری (سیر شدن)	ایران (وطن عزیز)	ایشان (آنها)
مریخ (ستاره ایست)	ایمان (باور کردن بخدا)	چایی
خورشید (آفتاب)	سیمین (نقره مانند)	شاهی (ملوکانه)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

دیروز، پیکرا، دار، میزدند

آهل ایمان، دروغگو، نمیشود

نشیمنگهمن، دِم، آژدها

عُلمارا، آنیر، خُود، قرار، ده

از حضرات معلمین استدعا که چنین تالیف را نخواهیم کرد ولی توقع خواهیم داشت که بدانند تا درس سی و پنجم عرصه تکلم بچه تنگی بوده است

جایشان خالی جناب چرنیاوسکی (۱) و غصپرنسکی (۲) و آقای حاج میرزا علی که قلم مؤلف را ببوسند و تشکر کنند فغان از بیعلمی و فقدان اصول تعلیم و تفهیم . . . .

(۱) چرنیاوسکی اول کسیست که عیب تعلیم با اصول تعلیمیه مسلمین را ملتفت شده رهنمائی کرده که اصوات حروف را تعلیم کنیم تا ابراز هست مرهون آنمرحوم هستیم (۲) غصپرنسکی مدیر جریده ترجمان در باغچه سرای مسمی با سمعیل بیک پدر علمی همه مسلمین قفقاس که سی سال از پستان قلم آنها را شیر داده است

درس هشتم

در حروف با صوتش ب شکلش هشت جور است

۱ بی مفرد	ب	۵ بی اول محدّب	بـ
۲ بی اولی منکسر	بـ	۶ بی اوّل منحنی	بـ
۳ بی اول عمودی	بـ	۷ بی وسطی	ـبـ = ا
۴ بی اول مایل	بـ	۸ بی آخری	ـب

حرف با هم ۹ کلمه دارد ۴ کلام

جواب (پاسخ)	برابر (مساوی)	بسیار (زیاد)
بُخارا (شهریست)	بهبودی (چاق شدن)	بی نوا (بی توشه)
صبر (شکیب)	جُنبش (حرکت)	جُب

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

در نماز، کسل، مباش

از صبر، و شکیبائی، ملول، مشو

بر خوی، باش، و در، گرسنگی، میل، بمردار، مکن

بلبلان، بلبان، بلبان، میزدند

درس سی و نهم

در حرف تا شکلش ت شکلش برابر است با حرف با یعنی چنانچه حرف با هشت شکل داشت حرف تا هم هشت شکل دارد

۱	تی مفرد	ت	۵	تی اولی محدب	تـ
۲	تی اولی منکسر	تـ	۶	تی اولی منحنی	تـ
۳	تی اولی عمودی	تـ	۷	تی وسطی	ـتـ = تا
۴	تی اولی مایل	تـ	۸	تی اخری	ـت

حرف تا هم ۹ کلمه دارد ۴ کلام

عِشرت (شادی)	تُربت (خاک)	تَسلیت (سر سلامتی)
تَخت (سریر)	تُهمت (بهتان)	قاتی (درهم)
خِشتمال (خشت زن)	فِتنه (فند)	عِصمت (حیا)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

دُنیا، جایِ، عیش، وَعِشرت، نیست

تَسلیت، بَرعزادار، دادَن، اَجرِ، عَظیم، دارد

ظُلمتِ، ظُلم، از هر تاریکی، ظُلمانی تَراست

خِلاصی، از ظالِم، جُز، بِعدل، مَظلوم، صورت نگیرد

درس چهلم

در حرف ثا صورتش ث شکلش برابر است با حرف تا یعنی چنانچه حرف تا هشت شکل داشت حرف ثا هم هشت شکل دارد

۱	ثی مفرد	ث	۵	ثی اولی محدب	ثـ
۲	ثی اولی منکسر	ثـ	۶	ثی اولی منحنی	ثـ
۳	ثی اولی عمودی	ثـ	۷	ثی وسطی	ـثـ = ثا
۴	ثی اولی مایل	ثـ		ثی اخری	ـث

حرف ثا هم ۹ کلمه دارد ۴ کلام

آثاث (اسباب)	ثابت (محکم)	وُثوق (خاطر جمعی)
ثَجّاج (جاری و روان)	ثُمنه (هشت یک از هشت)	ثُلاثی (کلمه سه حرفی)
کَثافت (چرک)	تَثنیه (دوتا)	ثُلث (سه یک)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

خِدمتِ، خَلق، برتو، ثابِتست تو خِدمت را، بِثبوت، بِرسان

وُثوقِ، توبِهر کَس، تورا، مُوثّق، نَمیکُند

دُروغ، بِقسم، اِثبات، نَمیشود، دُروغتر، میشود

مَخارِج، بیهوده ات را، ثبت، کُن، مالت را، تَلف، نمیکنی

درس چهل و یکم

در حرف پی صوتش پ شکلش برابر است با حرف بی یعنی چنانچه حرف بی هشت شکل داشت حرف پی هم هشت شکل دارد

۱	پی مفرد	پ	۵	پی اولی محدّب	پ
۲	پی اولی منکسر	پ	۶	پی اولی منحنی	پر
۳	پی اولی عمودی	پ	۷	پی وسطی	ـپـ = پا
۴	پی اولی مایل	پ	۸	پی آخری	ـپ

حرف پی نیز ۹ کلمه دارد ۴ کلام

چاپ (طبع)　چاپار (پیشخدمت)　پست (چاپارخانه)

پختنی (پزیدنی)　پهلوان (گرد)　پاپی (دنبال کنی)

سپهدار (سپهسالار)　چپنداز　گپ (لاف)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

چاپخانه‌ها، چپو، خانه، شده است

پهلوان، پنبه، یعنی، وزیر بی علم و عالم بی عمل

پنبه بر پنبه، دوختن، برای آبرو فروختن است

پر پرواز، پرویز، خان، پرهیز شرا، شکست

درس چهل و دوم

در حرف ذال صوتش ذ شکلش برابر است با حرف دال یعنی چنانچه حرف دال دو شکل داشت حرف ذال هم دو شکل دارد

۱ ذال مجرد　ذ

۲ ذال مرکب　ـذ　　۹ کلمه دارد و ۴ کلام

ذلت (خواری)　ذلیل (خوار)　عذر (بهانه)

کاغذ　ذمه (عهده)　مذمت (سرزنش)

ذات (اصل)　بدذات (بداصل)　لذت (مزه)

تا اینجا ۹ کلمه ها بود بعد از این ۴ کلام است

ظالم، ذلیل است، خود را، عزیز، می‌پندارد

لذت علم، از مذمت جهل، بیشتر است

مذمت جهال را، علما، ذمه، دار است

عذر تقصیر را، بخواه، تا مقصر، نشوی

درس چهل و سیم

در این درس حرفی که وان برابر است با آ که الف مقصوره نامیده میشود یعنی الفیکه صدایش کوتاه کرده میشود

الف مقصوره ی

پیدا کنید که چند کلمه و چند کلام دارد و کلمه را سوا حفظ کنند

مولی، مصطفی، آز ملا مرتضی، دوشالِ، اعلی، خرید

کبری خانم، در ماهِ، جمادی الاولی، و جمادی الاخری

برای، ننه، صغری، اِنعام، معین، کرد

آقا، یحیی، شیخ، مجتبی را، در معنی، زنده، کرد

حاج، عیسی، همراهِ، آقا، موسی، آز کربلای معلی آمد

طوبی، نام، زنِ، اعمی، بیدارِ، عقبی، رفت

ترک، احد را، آز اعلی، و ادنی، مستثنی ندارد

مغیبی علیه، آز فرایض، معافست

اعلیحضرت، همیونی، آز مصلی مراجعت، کرد

علی کلِ حال، علیحده را، متصل باید، نوشت

درس چهل و چهارم

در واو معدوله که تنها بعد از حرف خ نوشته میشود

پیدا کنید که چند کلمه و چند کلام دارد و محل شاهد کدامها است

خواجه، درسِ، خوانچه. خوابش. برد

درس، بخوان، و هرچه، خواهی، از علم، بخواه

خواهشِ، نفسرا، رواکنی، خود، خوار، خواهی، شد

رباخوار، در نظرها، ذلیل، و خوار است

دهخوارقان، از قصباتِ، آذربایجان است

خوارزم، شاه، خویشانشرا، نمیخواست

خواری، پسند، مباش، تا پیشانی، خودرا، بخارِ

خجلت، نخواری

در کلمه، استخوان، حرفِ، پنجم را، نخوان

خواهرت را، برادر، باش، تا بخواهر، نباشی

بدخواهِ، خویشان، بدخواهِ، خویش است، زیرا که

خویشان، جمعِ، خویش است، و تو، از ایشان

درس چهل و پنجم

صدای مفتی واو برابر است با آو در زبان عرب منحصر است بچند کلمه که از میان

اینکلامها استخراج کرده علیحدہ حفظ خواهید کرد

صلوة، ستونِ خانهٔ دین است

زکوة، بیمهٔ دولت و دارائی است

حیوة، آدمی، با علم است

صداقت، مشکوة، شمع، شرف است

صلوة، معراجِ مؤمن است

زکوة، کفّارهٔ وبالِ مال است

حیوةِ حقیقیِ مؤمن، پس از مرگ است

علم، مشکوة، مصباح، ثروت است

درس چهل و ششم

در کلامهائیکه الف متروکه در کلمه‌ها اینها استعمال شده است پس معلوم کنید

که در هر کلامے چند محل شاهد است و کدام است

اِنشاءَالله الرّحمن مُوَفَّق خواهیم شُد

بزبانِ عرب هذا اشاره بنر است و هذهِ

اِشاره بماده

ذٰلِکَ وکذٰلِکَ هٰکذا اِشاره بنر است

اِسحٰق برادرِ اِسمٰعیل پسرانِ ابرٰهیم پیغمبر

و خود از انبیا بودند لٰکن صاحبِ کتاب

نبودند

طٰه و یٰس مثلِ هم دو حرفند یا دو

اِسمند مثلِ لُقمن الفِ متروکه دارند

درس چهل و هفتم

در الف لام شمسی و قمری که هر یکی چهارده حرف دارد

قمری	شمسی
الهمزه	التاء
والباء	والثاء
الجیم	الدال
والحاء	والذال
الخاء	السین
والعین	والشین
الغین	الصاد
والفاء	والضاد
القاف	الطاء
والکاف	والظاء
المیم	اللام
والهاء	والنون
الواو	الراء
والیاء	والزاء

درس چهل و هشتم

در کلامهاییکه الف لام شمسی و قمری در کلمه‌ها استعمال شده است و معلوم کند که در هر کلامی چند محل شاهد است و کدامها است

مسجد مِنَ الباب اِلَی المحراب مملوّ است

(محراب)

شمسُ الدّین خان امینُ العُلَما را فرستاد

ابو الفتح میرزا بسیار سریعُ القبول است

شیخُ الرّئیس در عالمِ الکلّ فی الکلّ است

و پسرش در عالمِ الکول و فوکول است

دارُ السّلطنه تبریز دارُ الخلافه خواهد شد

(پایتخت)

مرد باید مستقیمُ الرّأی باشد

(سر قول و فعل خود بایستد)

غایةُ الجود بذلُ الموجود

(از سر حد بخشش — بخشیدن — حاضری است)

ریاستِ کبیرا شاید که سلیمُ النّفس و نجیبُ

(آقائی — خیرخواه)

الطّرفین باشد انشاء الله الرّحمن بالامن و السّلامة نقل مکان

(و پدر و مادرش نجیب باشد)

خواهید کرد مادامُ العمر از اتلاف عمر اجتناب کن

(تا زنده هستی — تلف کردن — پرهیز)

درس چهل و نهم

در ادوات اضافه و آن سه است کسرهٔ اضافه و همزهٔ اضافه و ی اضافه این درس در کلامهائیکه کسرهٔ اضافه در کلمات آن استعمال شده است پس معلوم کنید مضاف و مضاف الیه و ادات اضافه را

کسرهٔ اِضافه

دستِ، برادرِ، فقیر، خود را، بگیر
دُشمنِ، دوستانِ، خود را، دُشمنِ، خود دان
دوستدارانِ، دوستِ، خود را، دوستِ خود، دان
کِتابِ، درسِ، خود را، چراغِ راهِ، خود، دان
معنیِ، مطالبِ، درس را، نورِ، چراغِ، خود دان
درسِ، همدرسانِ، خود را، درسِ، خود دان
خِدمتِ، خلقِ، خدا را، عِبادتِ، خدا دان
خِدمتِ، خلق را، بی عِبادتِ، خالِق، بی ثمر دان

معلمین دقت تمام فرمایند که متعلمین کسرهٔ اضافه چندان اشباع بکنند که بحرف ی مشتبه شده غلط نو بتند و اوایرانی‌ها (ه) در آخر کلماتیکه هاء غیر ملفوظه است جلّه اجناب بکنند

درس پنجاهم

در کلامهائیکه همزه اضافه در کلمه‌های آن اضافه شده است پس معلوم کنید که در هر کلامی چند محل شاهد است مضاف و مضاف الیه کدام است

همزهٔ اِضافه

شیعهٔ شرمندهٔ کشندهٔ درِ خیبر
نویسندهٔ نامهٔ شکستهٔ خامهٔ اشتیاق
بستهٔ سلسلهٔ غمکدهٔ فراق
ادارهٔ مدرسهٔ مبارکهٔ اقدسیهٔ سعیدیّه
اعانهٔ مریضخانهٔ بلدیّه هذهِ السَّنَهٔ طهران
محکمهٔ عدلیهٔ عادلهٔ عالیهٔ آذربایجان
جریدهٔ فریدهٔ اتحادِ اسلامیان
همزهٔ اضافهٔ کلمهٔ مضافهٔ خانهٔ دوستان
هاءِ غیرِ ملفوظهٔ مشروطهٔ مظفّریّهٔ ایران

درس پنجاه و یکم

در کلماتیکه ی اضافه در کلمه‌ها انها استعمال شده است پس معلوم کنید
شاهد و مضاف و مضاف الیه و ادات اضافه را

یِ اضافه

عبای اعلای کوپای اصفهان

عصای موسای نبی

گداهای سر گذرهای محله هارا

آزگدوی گیلان و لبوی کرمان

پاروی آخوی عموی مارا

پاروی پارو پرو مگذار

نبی امی مکی مدنی ابطحی طحامی قرشی روحی فدا

یهودی پاریس و نصارای مسکو وارمنی باکو

کتابچی بیسواد کتابی کثیف شکارچی احول را

اضافه های مضاف مشدد میشود یای مضاف را حذف میکنند زیرا که یی مضاف
حرف متاست وی اضافه حرف لین

درس پنجاه و دوم

در کلمات منونه مرکبه منونه یعنی تنوین دار تنوین عبارت از دو زبر و دو زیر و دو پیش است
که صدا نون میدهند

اباً عن جدٍ — یوماً فیوماً — لیلاً و نهاراً

اناثاً و ذکوراً — صباحاً و مساءً — جزءً و کلاً

کماً و کیفاً — علماً و عملاً — براً و بحراً

ساعةً بعد ساعةٍ — لمحةً بعد لمحةٍ — حیوةً و مماةً

کلمةً بعد کلمةٍ — خلوةً او جلوةً — ذرةً بعد ذرةٍ

یومٌ جدیدٌ و رزقٌ جدیدٌ — بلدةٌ طیبةٌ و ربٌ غفورٌ

ان خیراً فخیرٌ ان شراً فشرٌ — نورٌ علی نورٍ

طینةٌ طاهرةٌ — مدرسةٌ عالیةٌ — خیراتٌ جاریةٌ

عتباتٌ عالیاتٌ — طیباتٌ طاهراتٌ

درس پنجاه و سیم

برای حفظ ترتیب و شماره حروف تهجی که قدما وضع کرده اند و اخلاف باید محفوظ بدارند اگرچه نفعشرا ندانند سه درس الحاق میشود

هُوَ الفَتّاحُ العَلیمُ

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم
رَبِّ یَسِّرْ وَلا تُعَسِّرْ سَهِّلْ عَلَینا یا رَبَّ العالَمین

[illegible]

ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش ص

ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن ه و لا ی

تمّت

آ ب جَ د هَوَّز حُ طّی كَ لَ مَ نَ

سَ ع فَ ص قَ رَ شَ تَ ثَ خَّ ذ

ضَ ظِ غ لا

درس پنجاه و چهارم

اَبجَد هَوَّز حُطّی کَلَمَن سَعفَص

قَرَشَت ثَخَّذ ضَظَغ

فَتَبارَكَ اللهُ اَحسَنُ الخالِقین

در حساب جمل

آ ب جَ د هَوَّز حُ طّی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰

كَ لَ مَ نَ سَ ع فَ ص قَ
۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰

رَ شَ تَ ثَ خَّ ذ ضَ ظِ غ
۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

یکان یکان شمر ابجد حروف تا حطّی

چنانکه از کلمن ده دهست تا سعفص

پس آنکه از قرشت تا ضظغ شمر صد صد

دل از حساب جمل شد تمام مستخلص

درس پنجاه و پنجم

آبجد	هوز	حطی	کلمن
۱	۵	۸	۲۰
۲	۶	۹	۳۰
۳	۷	۱۰	۴۰
۴			۵۰
۱۰	۱۸	۲۶	۱۴۰

سعفص	قرشت	ثخذ	ضظغ
۶۰	۱۰۰	۵۰۰	۸۰۰
۷۰	۲۰۰	۶۰۰	۱۰۰
۸۰	۳۰۰	۷۰۰	۱۰۰۰
۹۰	۴۰۰		
۳۰۰	۱۰۰۰	۱۸۰۰	۲۷۰۰

مادهٔ تاریخ افتتاح مدرسه

در ایران در شهر تبریز باسم

رشدیه

طلع الشمس من المشرق

۱۳۰۱

بزبور طبع و تالیف مزین شد در بیست و هفتم محرم

هجره ۱۳۲۸ (ج)

قیمت

در ایران سی شاهی است و همه جا اجرت پست بعهده فروشنده است با القافه

مادام

که وزارت معارف حق الطبع را برای مؤلفین محفوظ داشته است هر کس بی اذن مؤلف بتقلیب و تقلب اقدام بر طبعش نماید مؤاخذ خواهد شد

تخفیف

هر کس ده جلد خرید اشود یازده جلد شرداده میشود و هر کس صد جلد بخرد صد و بیست جلد شرداده میشود حالا نصفا فقط ده و صد است

قیمت

در تمام نقاط ایران مجلدی سی شاهیست و برای
خارج از طهران اگر با پست بخواهند اجرت پست بعهده
فروشنده است ولی بلفافه فرستاده میشود

حق الطبع این کتاب تا پنجسال بقید سند با جناب میرزا تقیخان
اعتضاد الکتاب ناظم مدرسهٔ مقدسهٔ
آسعدیه است

تخفیف قیمت

هر کس ده جلد بخرد یازده جلدش داده میشود و هر کس صد جلد
بخرد صد و بیست جلدش داده میشود حد نصاب فقط
ده و صد است

این جلد سیم مسبوقست بجلد اول و دوم و متعقبست بجلد چهارم
که هم تعلیمات این کتابست و هم تکملهٔ متعلمین
بی مهر دستی حاج میرزا حسن رشدیه بضبط معارف خواهد شد
هجرهٔ جمال الدین فی غرهٔ شهر محرم الحرام فی سنه ۱۳۲۸